

انسان در جستجوی معنا

دکتر ویکتور فرانکل

نهضت صالحیان - مهین میلانی



انتشارات لیوسا

Frankl, Viktor E. فرانکل، ویکتور امیل
انسان در جستجوی معنا/ویکتور فرانکل؛ ترجمه
نهضت صالحیان، مهین میلانی.
۲۰۰ ص.

Man's search for meaning

۱. معنادرمانی. ۲. اردوگاه‌های اسیران آلمانی

۴ ف ۹ ی / ۸۱۰ / D

۹۴۰ / ۵۳۱۸

۵۵۱۳۹۱۵

سرشناسنامه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات ظاهری

عنوان اصلی

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



ناشریات لیوسا

سال چاپ: ۱۳۹۸ (اول لیوسا)

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

چاپ: احمدی

صحافی: مینو

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

نام کتاب: انسان در جستجوی معنا

نویسنده: دکتر ویکتور فرانکل

مترجم: نهضت صالحیان - مهین میلانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۰-۰۹۴-۸

نوبت چاپ: پنجاه و ششم



۶۶۴۶۶۹۰۶ - ۶۶۹۶۳۰۳۵



۰۲۴۰۰۴۲



www.nashreliusa.com



instagram.com/dorsaliusa

۶۶۴۶۴۵۷۷

www.dorsabook.ir

liusa@nashreliusa.com

telegram.me/dorsaliusa



خیابان انقلاب، بین خیابان وصال و قدس (جنب سینما سپیده)، کوچه اسکو،
پلاک ۱۲، طبقه همکف. (کدپستی: ۱۳۸۷۳-۱۴۱۷۸)

پیشگفتار

دکتر فرانکل روان‌پزشک و نویسنده، گاهی از بیماران خود که از اضطراب‌ها و دردهای کوچک و بزرگ رنج می‌بردند و شکوه می‌کردند، می‌پرسید: «چرا خودکشی نمی‌کنید؟» او اغلب می‌توانست از پدیده‌های اصلی روان‌درمانی خویش را بیابد. در زندگی هر کسی چیزی وجود دارد. در زندگی یک نفر عشق وجود دارد که او را به فرزندانش پیوند می‌دهد؛ در زندگی دیگری استعدادی که بتواند آن به کار گیرد؛ در زندگی سومی شاید تنها خاطرات کشداری که ارزش حفظ کردن دارد. یافتن این رشته‌های ظریف در یک زندگی فروپاشیده به شکل انگاره‌ای استوار از معنا و مسئولیت، هدف و موضوع مبارزه‌طلبی «لوگوتراپی»^۱ است که تعبیر دکتر فرانکل «از تحلیل اگزیستانسیالیستی» نوین (هستی‌درمانی) است.

در این کتاب، دکتر فرانکل تجربه‌ای را توضیح می‌دهد که به کشف «لوگوتراپی» منجر شد. وی مدت زیادی در اردوگاه کاراجباری اسیر بود، که تنها وجود برهنه‌اش برای او باقی ماند و بس. پدر، مادر، برادر و همسرش یا در اردوگاه‌ها جان سپردند یا به کوره‌های آدم‌سوزی سپرده شدند. خواهرش تنها بازمانده‌ی

این خانواده بود که از اردوگاه‌های کار اجباری جان سالم به در برد. او چگونه زندگی را قابل زیستن می‌دانست در حالی که همه‌ی اموالش را از دست داده بود، همه‌ی ارزش‌هایش نادیده گرفته شده بود، از گرسنگی و سرما و بی‌رحمی رنج می‌برد و هر لحظه در انتظار مرگ بود؟ او به‌راستی چگونه زنده ماند؟ پیام چنین روانکاوای که شخصاً با چنان شرایط خوفناکی مواجه بوده است، شنیدن دارد. اگر کسی بتواند به شرایط انسانی ما عاقلانه و از سر دلسوزی بنگرد، این شخص بی‌تردید دکتر فرانکل است. واژه‌هایی که از قلب دکتر فرانکل برمی‌خیزد، بر دل می‌نشیند چون رتجره‌ی بی‌سیار ژرف استوار است. صادقانه‌تر و ژرف‌تر از آن است که در آن کوچه‌کوی کوچک‌ترین رنگی از فریب در آن ببیند. پیام‌های او الا ارزشمند است. و کارهایش به‌دلیل موقعیت کنونی او در دانشکده پزشکی دانشگاه وین، و به علت آوازه‌ی درمانگاه‌های «لوتراپس» که امروزه در بسیاری از سرزمین‌ها با الگوبرداری از پلی‌تکنیک معروف عصب‌شناسی او در وین آغاز به کار می‌کند، شهرت جهانی دارد.

انسان نمی‌تواند نظریه و شیوه‌ی کار دکتر فرانکل را با کار زیگموند فروید مقایسه نکند، زیرا هر دو پزشک ابتدا به طبیعت و درمان «روان‌نژندی‌ها» توجه داشتند. فروید، شش‌دهی این «اختلال‌های» پریشان‌کننده را در «اضطرابی» می‌یابد که اثر «انگیزه‌های تعارضی» و «ناآگاهانه» به‌وجود آمده است. اما فرانکل «نوروزها» را بر چند نوع تقسیم می‌کند و برخی از آنها را «روان‌نژندی نئوروتیک» و در نتیجه‌ی ناتوانی بیمار در پیدا کردن معنا و مسئولیتی در زندگی خویش می‌داند. فروید بر «ناکامی» در زندگی جنسی تأکید دارد، اما فرانکل بر «ناکامی» در معناتلبی. امروزه در اروپا روان‌شناسان و روان‌پزشکان

آشکارا از فروید روی برگردانده و به «هستی درمانی» رو آورده‌اند که مکتب «لوگوتراپی» یکی از آنهاست. یکی از ویژگی‌های دیدگاه‌های فرانکل این است که هرگز فروید را رد نمی‌کند، بلکه روش خود را بر آنچه او انجام داده است بنا می‌نهد. او حتی با سایر شکل‌های «هستی درمانی» نیز سرستیز ندارد، بلکه به آنها خوشامد می‌گوید و از درِ خویشی در می‌آید.

داستان این کتاب گرچه کوتاه است، بسیار هنرمندانه و گیراست. من دو بار در یک نشست آن را از ابتدا تا انتها خواندم. اسون آن چنان مرا گرفت که یارای رهاکردنش را نداشتم. دکتر فرکل در جایی از داستان، فلسفه‌ی «لوگوتراپی» خود را به خواننده می‌شناساند و آن را چنان ملایم به داستان پیوند می‌دهد که خواننده تنها پس از به پایان رساندن کتاب به ژرفای نوشته‌ی او پی‌برد. می‌بندد که دیگر این بخش از کتاب دنباله‌ی داستان رسالت اردوگاه‌های کار اجباری نیست.

خواننده از همین زندگینامه‌ی درختان بسیار چیزهای آموزد و فرا می‌گیرد که وقتی انسان به ناگهان احساس کند که چیزی برای از دست دادن به جز بدن برهنه‌ی مس‌رهانش ندارد، چه می‌کند. با توصیفی که فرانکل از آمیخته‌ی «هیجان» و «بی‌احساسی» به ما می‌دهد، روح انسان تسخیر می‌شود. نخستین چیزی که به نجات انسان می‌آید کنجکاوی سرد جدا مانده‌ای است که او را متوجه سرنوشت خود می‌کند. پس از آن، به کار بستن شگردهایی برای حفظ باقی مانده‌ی زندگی. با اینکه شانس زنده ماندن بسیار ناچیز است. گرسنگی، تحقیر، ترس و خشم عمیق ناشی از بی‌عدالتی را هاله‌هایی از افراد

محبوب و مورد علاقه. مذهب، شوخ طبعی و حتی زیبایی های آرامش بخش طبیعت مانند یک درخت یا غروب آفتاب قابل تحمل می کند.

گمان مبرید که این لحظات آرامش بخش میل به ادامه ی زندگی را در زندانی برمی انگیزد. آنها در صورتی مفید خواهند بود که بتوانند زندانی را یاری دهند تا معنایی برای رنج بیهوده ی خود بیابد. و در اینجا است که ما با هسته ی مرکزی اگزیستانسیالیسم مواجه می شویم که اگر زندگی رنج بردن است، پس برای زنده ماندن باید ناگزیر معنایی در رنج بردن یافت. اگر اصل زندگی خود هدفی داشته باشد، رنج و مرگ نیز معنا خواهند یافت. اما هیچ کس نمی تواند این معنا را برای دیگری بیابد. هر دس باید برای زندگی اش را خود جستجو کند و مسئولیت آن را نیز بپذیرد. اگر موفق شود، با وجود همه ی تحقیرها به زندگی ادامه دهد. فرانکل که به نیچه علاقه مند است به این گفته اش نیز اشاره ای دارد که «کسی که چوایی زندگی را یافته، با هر چگونه ای نیز خواهد ساخت.»

در اردوگاه اجباری هر حادثه ای که می شود که زندانی کنترل خود را از دست بدهد. تمام هدف های عادی زندگی از او گرفته می شود. تنها چیزی که برایش باقی می ماند «ایستادن آزادی های بشری است.» آزادی در انتخاب شیوه ی انباشتن و برخورد با یک سری حادثه. این آزادی نهایی که هم ترسناک و رواقیون شناخته شده است و هم هستی گرایان نوین، در داستان فرانکل از اهمیت خاصی برخوردار است. زندانیان انسان هایی معمولی بودند، اما دست کم شماری از آنان ثابت کردند که «ارزش رنج هایشان را دارند و با این کار شایستگی بشر را در بر خاستن علیه سرنوشت خود به ثبوت رساندند.»

البته نویسنده‌ی این کتاب به عنوان «روان‌درمانگر» می‌خواهد پی ببرد که چگونه می‌توان به انسان کمک کرد تا به این شایستگی برجسته‌ی بشری دست یابد. چگونه می‌توان در بیمار این حس را برانگیخت که بنا به دلیلی مسئول زندگی است. حتی اگر در بدترین شرایط قرار گرفته باشد؟ فرانکل نمونه‌ای تکان‌دهنده از یک جلسه‌ی «گروه درمانی» را که با زندانبان دیگر داشت، ارائه می‌دهد.

دکتر فرانکل به درخواست ناشر خود، بخشی مختصر ولی آشکار و گویا از اصول اساسی «لوگوتراپی» و همچنین فهرست کتب مربوط با آن را نیز به این زندگینامه افزوده است. گرچه درباره‌ی دو جنبه دیگر، یعنی فروید و آدلر نوشته‌های بسیاری به زبان انگلیسی موجود است، بیشتر کتاب‌های مکتب سوم وین در رسی زبان آلمانی (لوگوتراپی) به‌طور عمده به زبان آلمانی چاپ شده است. از این رو جا دارد خوانندگان از دکتر فرانکل که این کتاب را به زبان انگلیسی نگاشته است سپاسگزار باشند.

فرانکل برخلاف بسیاری از هستی‌گرایان ادیبانی نه بدبین است و نه ضد مذهب. بلکه برعکس، نویسنده‌ای که خود شاهد همه‌ی رنج‌ها و نیروهای شیطانی شکنجه بود، به خوبی به توانایی بشر در غلبه بر شرایط موجود و کشف معنای روشنگرانه و بسنده آگاهی دارد.

خواندن این کتاب را که واژه‌هایش چون گوهر می‌درخشد و بر ژرف‌ترین مشکلات بشر می‌تابد، از همگان خواستارم زیرا کتابی است دارای ارزش ادبی و فلسفی و پیشگفتاری پرجذبه بر ارزنده‌ترین جنبش روان‌شناسی روزگار ما.